

نقد تصحیح «معتبر»

علی حسینی

المعتبر فی شرح المختصر

تألیف:

نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن الحسن

المحقق العلی (قدس سره)

الترغیب سنة ۱۲۲۶ هـ

المجلد الاول

حقه و صحفه عدد من الاصل

المعتبر فی شرح المختصر . محقق حلّی . تصحیح محمد علی حیدری، مهدی شمس الدین، ابومحمد مرتضوی و علی موسوی . (چاپ اول: قم، مؤسسه سیدالشهداء - علیه السلام، ۱۳۶۴ ش). دو مجلد، ۴۶۷+۸۱۰ ص، وزیری.

نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن سعید حلّی، مشهور به «محقق»، «محقق حلّی» و «محقق اول» (م ۶۷۶ق)، برجسته ترین فقیه شیعه در قرن هفتم هجری و یکی از نامدارترین فقیهان شیعه در طول تاریخ فقه است. سه کتاب از کتب فقهی او، یعنی شرائع الاسلام، النافع مختصر الشرائع و المعتبر فی شرح المختصر، شهره آفاق است و بر دو کتاب اول تاکنون بیش از یکصد شرح و حاشیه نگاشته شده است. *

محقق حلّی، ابتدا کتاب شرائع الاسلام را که یک دوره کامل فقه غیراستدلالی است، نوشت؛ سپس آن را خلاصه کرد و النافع مختصر الشرائع نامید. آنگاه شرحی بر نافع نگاشت و آن را «المعتبر فی شرح المختصر» نام نهاد که البته به فرجام نرسید و امروزه تنها تا قسمتی از کتاب الحج آن در دست است.

معتبر تاکنون بارها و به سه گونه چاپ شده است که عبارتند از:

۱- سنگی، وزیری، به خط علی خوانساری، یک

جلد، [بی تا، بی جا]؛

۲- سنگی، رحلی، تهران، ۱۳۱۸ق، یک جلد،

افست: قم، ۱۴۰۶ق؛

۳- حروفی، قم، مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام،

۱۴۰۶ق، دو مجلد. که همین چاپ، محور بحث این مقاله است.

البته چنانکه خواهد آمد، چاپ وزیری و رحلی بسیار مغلوط است و کاتب نسخه و مصحح آن نیز بدین نکته تنبه داده است و از سوی دیگر، اساس کار مصححان چاپ جدید، همان چاپ رحلی کتاب بوده و اغلاط چاپ رحلی به چاپ جدید سرایت کرده است. در چاپ جدید گفته شده که تصحیح بر اساس سه نسخه صورت گرفته است:

۱- نسخه ای متعلق به حضرت آیت الله سید مصطفی صفایی خوانساری - دامت برکاته - مورخ ۹۶۷ که از روی نسخه ای مورخ ۶۷۵ استنساخ شده است. و درباره این نسخه گفته اند: «هی نسخه علی قدمتها کثیرة الخطأ و التحریف و التصحیف».

۲- نسخه ای متعلق به کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - به شماره ۱۵۸۴، مورخ ۱۲۴۸ق.

۳- نسخه چاپ سنگی، سال ۱۳۱۸ق؛ و درباره اش

گفته اند: «هی نسخه تغلب علیها الصححة».

در مقدمه هر دو جلد هم آمده است: «و قد بدلنا ما فی جهدنا فی تصحیح الكتاب و مقابلتها بنسخ مصححة، قوبلت مع نسخة المحقق نفسه أو غیره، مما یعود تاریخه إلى القرن العاشر أو القرن الثالث عشر»؛ ولی در حقیقت اساس کار مصححان همان چاپ سنگی رحلی بوده است. و آن قدر بی توجه بوده اند که سخنان کاتب نسخه در آخر جزء اول را به عنوان سخنان محقق حلّی ثبت کرده اند که چیز عجیبی از کار درآمده است. بدین صورت:

«تم الجزء الأول ... و انما ترکنا تاریخ فراغه لأن صاحبه ایده الله تعالی بنی أن یجمع الاثنین فی واحد، فکانا کالکتاب الواحد، فلذا ترکنا بسم الله الرحمن الرحیم».

و اگر اندک توجهی می کردند، نمی بایست این کلمات را در متن کتاب می آوردند و یا اگر با نسخه های آیت الله صفایی و کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی مقابله شده بود، دچار این اشتباه نمی شدند. از سوی دیگر اشتباهاتی که در متن چاپ جدید آمده، در چاپ رحلی موجود، و از آنجا به چاپ جدید سرایت کرده است. زیرا در آن دو نسخه خطی - و در برخی موارد در یکی از آن دو نسخه - عبارت صحیح آمده است و مصححان، چون مقابله یا دقت در مقابله نکرده اند، متوجه آن اشتباهات نشده اند؛ حتی در اشتباهاتی که نه شم لغوی می خواهد و نه دقت فقهی و نه صرف وقت در تتبع کتب لغوی. از باب نمونه، محقق حلّی در مقدمه کتاب گوید: «حتی اتفق لنا اختصار کتاب الشرائع بالمختصر النافع». ولی چون در چاپ رحلی، به جای «اختصار»، آمده است «احضار»؛ در این چاپ (ج ۱، ص ۱۹) نیز عبارت چنین ضبط شده است: «حتی اتفق لنا إحضار کتاب الشرائع بالمختصر»! در حالی که در آن دو نسخه خطی، به شکل صحیح، یعنی «اختصار» آمده است.

و این هم که گفته شده: چاپ رحلی «تغلب علیها»

الصححة»، صحیح نیست؛ زیرا چاپ رحلی از همه نسخه های معتبر، پرغلط تر است و بهترین دلیل آن، عبارت کاتب آن چاپ در آخر جزء دوم است که گوید: «تم الجزء الثانی علی ما فی اصله بغلط مفرط الذی یصعب علی المقابل تصحیحه لکثرة ما فیہ من الخلل و الغلط، و بالجملة، فإنی لم اذکر انی کتبت منه ورقة سالمة من الغلط». (چاپ رحلی، ص ۳۴۳). البته این مطالب در آخر چاپ وزیری هم آمده است و می توان نتیجه گرفت که چاپ رحلی از روی چاپ وزیری استنساخ شده است. و از سوی دیگر اشتباهات چاپ رحلی، در چاپ وزیری نیز دیده می شود؛ بنابراین اشتباهات چاپ وزیری به رحلی، و اشتباهات چاپ رحلی به چاپ جدید سرایت کرده است. مصحح چاپ رحلی نیز اعتراف به مغلوط بودن آن نسخه دارد؛ زیرا گفته است:

«و ابتدرت إلى طلب النسخ المصححة المكتوبة، و صححت تلك النسخة المطبوعة تصحیحاً یعجب الناظر فیها کثرة الغلط و ما یجد من الكراس المسقط معلقاً علی کثیر من عباراته». (چاپ رحلی، ص ۱).

اینکه در مقدمه چاپ جدید آمده است: «و قد بدلنا ما فی جهدنا فی تصحیح الكتاب و مقابلتها بنسخ مصححة، قوبلت مع نسخة المحقق نفسه»، اشتباه است؛ زیرا نه نسخه مرعشی چنین وضعی دارد نه نسخه های صفایی. زیرا نسخه های صفایی به سال ۱۹۶۷ از روی نسخه مورخ ۶۷۵ کتابت شده است، و هرگز با نسخه محقق، مقابله و یا از روی آن استنساخ نشده است.

به هر حال، ما در این نقد تنها برخی اشتباهات کتاب صوم چاپ جدید را متذکر می شویم. ولی قبل از ورود به بحث صوم، محض نمونه در این مقدمه، چند اشتباه از سایر مواضع کتاب، ذکر می کنیم:

۱- ج ۲، ص ۵۱۴، س ۱۸: راویان یک حدیث، این چنین ضبط شده است: «عبدالله بن زمعة عن أمه عن

جذامة». که دقیقاً عین چاپ رحلی، ص ۲۶۴، س ۱۹ است. مصححان بدون توجه به اینکه اساساً روایاتی به نام «أمه» یا «جذامة» داریم یا نه، این چنین ضبط کرده اند. در حالی که صحیح آن، «عبدالله بن زمعة، عن أبيه، عن جد أبيه» است. مصححان به وسائلی هم ارجاع داده اند، ولی دقت نکرده اند که در وسائلی، درست ضبط شده، و فرق است بین «عن أبيه عن جد أبيه» با «عن أمه عن جذامة». البته این اشتباه، چاپی نیست، بلکه به دلیل اینکه در چاپ رحلی چنین آمده است، در چاپ جدید نیز همان گونه ضبط شده است.

۲- ج ۱، ص ۳۴۵: محقق برای نوحه خواندن بر میت استشهاد می کند به روایتی که در آن سه بیت شعر (شش مصراع) آمده است و مصححان، آن سه بیت را در قالب دو بیت ریخته اند که شعر بی وزنی از آب درآمده است؛ بدین صوت:

أنعى الوليد بن الوليد أخوا الوليد
فتى العشيرة حامى الحقيقة ماجداً
يسموا إلى طلب الوتيرة قد كان
غيثاً للسنين وجعفرأ غدقاً وميرة

ملاحظه می شود که این ابیات با این شکل، به شوربا

نزدیکتر است تا شعر؛ و صحیح آن چنین است:

أنعى الوليد بن الوليد
أبا الوليد فتى العشيرة
حامى الحقيقة ماجداً
يسموا إلى طلب الوتيرة
قد كان غيثاً فى السنين
وجعفرأ غدقاً وميرة

۳- از جلد ۲، ص ۶۸۴ استفاده می شود که مصححان پنداشته اند «ابو بصير»، غیر از «لیث مرادی» است؛ حال آنکه هموست.

۴- در ج ۲، ص ۶۸۴ نوشته اند: «فى الفقيه عن محمد بن على بن الحسين». حال آنکه نام شریف شیخ

صدوق - قدس سره - «محمد بن على بن الحسين» است، و مصححان پنداشته اند «محمد بن على بن الحسين»، یکی از روایان روایت است؛

و دهها اشتباه دیگر از این گونه اشتباهات در این تصحیح دیده می شود. ولی ما فقط در اینجا کتاب صوم معتبر را بررسی می کنیم که حدود هشتاد صفحه از مجموع ۱۲۸۰ صفحه کل کتاب، یعنی ۱۶÷۱ کل کتاب را تشکیل می دهد. و تنها در این هشتاد صفحه، حدود یکصد اشتباه ریز و درشت رخ داده است که ما از باب «مشت نمونه خروار» به برخی از آنها ذیل چند عنوان زیر اشاره می کنیم:

الف) اشتباهات تصحیح متن؛

ب) اشتباهات پانوشتهای مصححان؛

ج) اشتباهات مربوط به سند روایات متن؛

د) اشتباهات ارجاعات و افتادگی و تداخل روایات؛

ه) اشتباهات گوناگون دیگر؛

و) اشتباهات چاپی.

الف) اشتباهات تصحیح متن

۱- در ج ۲، ص ۷۱۱، روایتی درباره روزه ماه شعبان، این گونه ثبت شده است: «عن يونس بن يعقوب عن ابي عبد الله عليه السلام، قلت جعلت فداك كان احد من آبائك يصوم شعبان قال كان خيراً بأن [؟] رسول الله اكثر صيامه فى شعبان». همان طوری که ملاحظه می کنید، سائلی، سؤال می کند که آیا از پدران شما کسی در ماه شعبان روزه می گرفت؟ امام (ع) جواب می دهند که بهترین پدرانم که حضرت رسول (ص) است، بیشترین روزهایش در ماه شعبان بود. پس روایت باید به این نحو باشد: «... قال كان خيراً آبائى رسول الله (ص)...»؛ نه اینکه «كان خيراً بأن رسول الله (ص)».

و ارجاع به وسائلی هم داده اند، و لکن باز دقت

نداشته اند که در مأخذ این حدیث، مثل تهذیب ج ۴، ص ۳۰۸ و استبصار ج ۲، ص ۱۳۸، «خیر آبائی» است و نه

«خبر أبان». و کسی توهم نکند که این اشتباه چاپی است، چون عین الفاظ معتبر چاپ قدیم، ص ۳۱۸، در اینجا آمده است. و در نسخه های خطی هم «خیر آبائی» است و نه «خبر أبان»!

۲- درج ۲، ص ۷۰۹، روایتی نقل شده که کسی در روز عاشورا روزه تبرکی نگیرد: وقتی که از امام رضا (ع) سؤال می شود درباره روزه عاشورا، امام جواب می دهند که «فلا یصام ولا یتبرک به»؛ یعنی روزه گرفته نشود و تبرک هم به روزه نشود. ولی در متن معتبر آمده است: «فلا یصام ولا یتبرک به»؛ یعنی روزه گرفته نشود و ترک هم نشود. و این تکلیف مالا یطاق است که هم روزه نگیرد و هم روزه بگیرد. و ارجاع به وسائل هم داده اند، و لکن دقت نداشته اند که در تمام منابع این حدیث، مثل کافی ج ۴، ص ۱۴۶، و تهذیب ج ۴، ص ۳۰۱ و استبصار ج ۲، ص ۱۳۵، «و لا یتبرک به» است.

۳- درج ۲، ص ۷۱۱، روایتی نقل شده که روزه در تمام ماه شعبان مستحب است. در این یک روایت دو اشتباه فاحش رخ داده است: «قال رسول الله (ص) من صام شعبان كان طهراً له من كل زلة وصمة وبادرة. قال ابو حمزة قلت له: ما الوصمة قال: اليمين في المعصية. فقلت و ما لناذره [؟] قال اليمين عند الغضب [؟] ...». همان طور که ملاحظه می شود، سائل سؤال از «بادره» می کند و می گوید «و ما البادرة»؟ نه اینکه «ما لناذره»؟ و امام در جواب می فرماید که قسم خوردن در حال غضب؛ پس باید «اليمين عند الغضب» باشد، نه «عند الغضب». و این اشتباه چاپی نیست، بلکه عین معتبر چاپ رحلی (ص ۳۱۷) است و باید سؤال کرد که معنای «ما لناذره» و «يمين عند الغضب» چه چیز است؟! و ارجاع هم به وسائل داده اند، و لکن دقت نداشته اند که در تمام منابع این حدیث، مثل کافی، ج ۴، ص ۹۳ و فقیه، ج ۲، ص ۵۶ و تهذیب، ج ۴، ص ۳۰۸، «ما البادرة» و «الغضب» است.

۴- درج ۲، ص ۶۹۵، روایتی درباره شخصی که در

ماه رمضان از مسافرت به شهرش وارد شده، از امام سؤال می شود و می فرمایند: «فقال: ان قدمه قبل الزوال فعليه صيام ذلك اليوم وبعده [؟]». ولی مصححان، جمله امام را متوجه نشده اند. و الا این گونه ضبط نمی کردند و صحیح آن، «... فعليه صيام ذلك اليوم و يعتد به» است. یعنی پس برای آن شخص است روزه گرفتن آن روز و این روز هم شمرده و منظور می شود. نه اینکه روزه بگیرد آن روز را و روز بعد آن را. و به وسائل هم ارجاع داده اند و لکن متوجه نبوده اند که درست ثبت کنند و در مآخذ این حدیث، یعنی در تهذیب، ج ۴، ص ۲۵۵ «و يعتد به» است، نه «بعده». این اشتباه نیز چاپی نیست؛ چون این اشتباه در معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۳) وجود داشته و به اینجا سرایت کرده است. در نسخه مرعشی هم صحیح آمده است و «يعتد به» است و نه «بعده».

۵- درج ۲، ص ۷۰۷، روایتی نقل شده که روزه سه روز در هر ماه مستحب است. این روایت را بدین گونه آورده اند: «قال: قبض رسول الله (ص) على صيام ثلاثة ايام في شهر و قال تعدن [تعديل] صوم الدهر و تذهبن بوجر [؟] الصدر. قال حماد الوجيه: [؟] الوسوسة» و حال اینکه در این دو مورد، باید «وحر» باشد؛ بدون نقطه باشد؛ یعنی «لوحر الصدر» و «الوحر». البته نقطه، اشتباه چاپی نیست، بلکه عین معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۶) است و ارجاع هم به وسائل داده اند، و لکن باز متوجه نبوده اند که «وحر» صحیح است و کلیه منابع این حدیث مثل کافی ج ۴، ص ۸۹ و فقیه، ج ۲، ص ۴۹ و تهذیب، ج ۴، ص ۳۰۲ و استبصار، ج ۲، ص ۱۳۶ و دیگر کتب، مثل مقنعه و محاسن و ثواب الاعمال، تماماً «وحر» است و نه «وحر». در لغت هم به این تصریح شده است، مثل نهیة ابن اثیر ج ۵، ص ۱۶۰: «الصوم يذهب وحر الصدر، هو بالتحريك: غشه و وساوسه. و قيل الحقد و الغيظ ...» همچنین در همین صفحه ثبت کرده اند: «و اصلها من الوجرة»؛ که این هم غلط است و «الوحر» است.

۶- درج ۲، ص ۶۸۶، درباره علامت و نشانه ماه رمضان روایتی از امام موسی کاظم نقل شده و راوی که علی بن جعفر است، سؤال می کند: «سألته عن الرجل يرى هلال رمضان وحده لا يبصره غيره قال: اذا لم يشك فيه فليصم [؟] و الا فليصم مع الناس». مصححان اگر معنای «الا» را که در روایت آمده است، می دانستند، این طرز ثبت نمی کردند که «فليصم و الا فليصم». چون باید دو طرف «الا»، دو حکم متضاد باشد. پس صحیح آن چنین است: «قال اذا لم يشك فيه فليطرو الاً فليصم»؛ یعنی در آن روز باید «افطار بکند» و الاً «روزه می گیرد» با سایر مردم. ارجاع به وسائل هم داده شده است، ولی در تمام منابع حدیث، مثل فقیه و تهذیب و قرب الاسناد و... «فليطرو و الا فليصم» است. این اشتباه نیز چاپی نیست، چون عین معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۰، سطر ۲۴) است و از آنجا به اینجا سرایت کرده است.

۷- درج ۲، ص ۷۱۹، روایتی نقل شده که زنی که نزدیک وضع حمل است و یازن شیردهی که شیرش کم است، روزه بر آنان واجب نیست: «سمعت ابا جعفر (ع) يقول الحامل المقرب والمرضع القليل [القليلة] اللبن لا حرج عليها ان يفطرا في شهر رمضان لانهما يطيقان [؟] الصوم». توجه نداشته اند که اگر طاقت داشته باشند، که نباید روزه را افطار کنند و صحیح آن «لانهما لا يطيقان الصوم» است. در مآخذ روایت، مثل کافی، ج ۴، ص ۱۱۷ و تهذیب، ج ۴، ص ۱۳۹ و فقیه و وسائل، که به آن ارجاع داده اند، تماماً «لا يطيقان» است و نه «یطيقان». در اینجا نیز همان طور که در چاپ قدیم (ص ۳۲۰) آمده، ضبط شده است، در حالی که در نسخه کتابخانه مرعشی نجفی که گفته اند با آن مقابله شده است، نیز «لا يطيقان» است و نه «یطيقان».

۸- درج ۲، ص ۷۱۶ درباره شخصی که در ماه رمضان قصد سفر دارد، روایتی به این گونه نقل شده است: «اذا اخرجت بعد طلوع الفجر ولم تنو السفر من

الليل فأتَم الصلوة [؟] واعتد به من شهر رمضان». ارجاع به وسائل نیز داده شده است، ولی متوجه این نکته پیش پا افتاده نشده اند که بحث، از روزه است و نه نماز، و روزه است که از ماه رمضان شمرده می شود و نه نماز، یعنی جمله «و اعتد به»، اصطلاح برای روزه است و نه نماز. پس صحیح روایت «فأتَم الصوم» است و نه «فأتَم الصلوة». در مآخذ این حدیث مثل تهذیب ج ۴، ص ۲۲۸ و استبصار ج ۲، ص ۹۹ نیز «فأتَم الصلوة» است.

۹- درج ۲، ص ۶۵۴، وقتی که سخن از مفطرات روزه به میان می آید، عبارت متن این گونه ثبت شده است: «و ایصال الغبار الغليظ مثل غبار النقص [؟] و الدقيق الى الحلق». این عبارت عیناً مطابق معتبر چاپ قدیم (ص ۳۰۱) است و اگر کمی در حاشیه قدیم دقت می کردند، باز متوجه می شدند. چون در حاشیه کتاب، این کلمه تصحیح شده است. و صحیح عبارت، «غبار النفض» است. و «نفض»، تکان دادن هر چیز مثل لباس و فرش و... را گویند و «غبار النفض»، یعنی آن غباری که به وسیله تکان دادن لباس و فرش و... بلند می شود و به حلق انسان می رسد که از مفطرات روزه است. در المنجد نیز (ص ۸۲۷) آمده است: «نَفْضُ الثوب: حركته ليزول عنه الغبار ونحوه» و در لسان العرب (ج ۷، ص ۲۴۰) آمده است: «النفض: مصدر نفضت الثوب والشجر وغيره. أنفضه نفضاً اذا حرّكته لينفض». ولی مصححان، هر چه در چاپ قدیم بوده است، در اینجا آورده اند.

۱۰- درج ۲، ص ۶۴۳ و ۶۴۶ و ۶۴۹، روایتی را از حضرت رسول (ص) که در کتب عامه آمده است، به سه نحو ثبت شده که هر ۳ نحوه آن غلط و اشتباه است: «لا صيام لمن ما [لم] بيت الصيام من الليل» و «من لم بيت الصيام...» و «من لم بيت نية الصيام...». اما نقل اولی: چون در متن معتبر چاپ قدیم (ص ۲۹۸) «لمن ما بيت» است و در حاشیه آن «ما بيت» تصحیح به «لم بيت: ظ» شده است، مصححان هر دو را آورده اند؛ یعنی هم «ما» و

هم «لم» را. و لکن اولاً این روایت اصلاً با «ما» نیامده است و ثانیاً «لم بیئت» غلط است و صحیح آن «لم بیئت» است. در پاورقی نیز ارجاع به سنن بیهقی داده اند؛ حال اینکه در سنن آمده است: «قال من لم بیئت الصیام قبل الفجر فلا صیام له». صرف نظر از متقدم و متأخر بودن «لا صیام»، در سنن «قبل الفجر» است و در معتبر «من اللیل».

اما نقل دومی، غیر از اشکال «ما»، اشکالات دیگر نیز به آن وارد است. و سرانجام در نقل سومی، غیر از اشکالات نقل دوم، یک اشکال اضافه تر دارد و آن اینکه آمده است: «من لم بیئت نية الصیام...»، که نية داخل حدیث شده است. ولی احتیاج به کلمه «نية» در روایت نیست. و اساساً غلط است. و اشکال عمده ما در این سه نقل به «لم بیئت» است از ماده «بیئت بیئت»؛ یعنی کسی که نیت نکرده باشد روزه را از شب. و در نهایت ابن اثیر (ج ۱)، ص ۱۷۰) آمده است: «لا صیام لمن لم بیئت الصیام، ای ینویه من اللیل، یقال بیئت فلان رایه اذا فکر فیه و خمره، و کل ما فکر فیه و دبر لیل فقد بیئت». این حدیث در سنن نسائی (ج ۴، ص ۸-۱۹۶) در اینکه در نقلش اختلافهایی است، باب مستقلى را به خود اختصاص داده است. البته اینها اشکالات چایی نیست. چون عین چاپ قدیم را بدون هیچ کم و زیادى در اینجا آورده اند. و در نسخه های کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی و نسخه آقای صفائی خوانساری هم صحیح آمده است: «لم بیئت».

ب) اشتباهات پانوشتهای مصححان

در این بند، اشکالاتی مطرح می شود که مربوط به پانوشتهای مصححان است و اگر اندک توجهی داشتند، این اغلاط فاحش و غریب رخ نمی داد.

۱- در ج ۲، ص ۶۵۸ درباره یکی از مفطرات روزه، محقق استشهداد به یک روایت می کند: «و یؤید ما ذکرناه ما

رواه لیث المرادی قال سألت ابا عبد الله (ع). و در پاورقی وقتی که ارجاع به وسائل داده اند، نوشته اند: «رواه عن ابی بصیر عنه ع».

مصححان پنداشته اند که «ابی بصیر» غیر از «لیث المرادی» است؛ ولی مسلم است که این دو اسم، نام یک نفر است و تمام کتب رجال به این مسأله تصریح کرده اند؛ مانند رجال نجاشی، ص ۳۲۱: «لیث بن البختری المرادی ابو محمد، و قیل ابو بصیر». و شیخ طوسی در رجال خود در صفحات ۱۳۴، ۲۷۸، ۳۵۸ در چندین جا تصریح کرده است، «لیث المرادی یکنی ابو بصیر» و نیز «لیث بن البختری المرادی یکنی ابابصیر». همچنین به معجم رجال الحدیث ج ۱۴، ص ۱۴۰ و ج ۲۱، ص ۴۴ رجوع شود.

۲- در ج ۲، ص ۶۸۴ درباره اینکه روزه واجب در سفر صحیح نیست، محقق، استشهداد به روایت معروف «لیس من البر الصیام فی السفر» کرده است و مصححان در پاورقی نوشته اند: «رواه الشیخ فی التهذیب عن صفوان بن یحیی عن ابی الحسن علیه السلام و فی الفقیه عن محمد بن علی بن الحسن عن الصادق علیه السلام». یعنی شیخ طوسی، روایت را در تهذیب از صفوان از ابی الحسن - علیه السلام - نقل کرده است و [صدوق] روایت را در فقیه از محمد بن علی بن الحسن از امام صادق - علیه السلام - نقل کرده است. مصححان، خیال کرده اند که «محمد بن علی بن الحسن» هم مثل «صفوان»، یکی از راویان است و حال اینکه صدوق، همان «محمد بن علی بن الحسن» است. و اساساً معنا ندارد که گفته شود «و فی الفقیه عن محمد بن علی بن الحسن». و منشأ اشتباه این است که در وسائل، ج ۷، ص ۶-۱۲۵ آمده است: «محمد بن حسن، باسناده عن الحسن بن سعید عن صفوان عن ابی الحسن (ع) ... محمد بن علی بن الحسن قال: قال الصادق (ع) ...». و در پاورقی، روایت از فقیه نقل شده است. و لذا پنداشته اند در فقیه این روایت از محمد بن علی بن الحسن از امام صادق - ع - نقل شده است!

۳- در ج ۲، ص ۷۰۴ درباره قضاى روزه و نقص آن قبل از زوال، استشهاد به این روایت شده است. «ما رواه یزیدبن معاویه عن ابی جعفر». و در پاورقی وقتی ارجاع به وسائل داده اند، نوشته اند: «رواه عن یزید العجلی». حال اینکه نه آنچه را در متن ضبط کرده اند، درست است و نه این اظهار نظر، بلکه صحیح آن «بریدبن معاویه» یا «بریدبن معاویه» است. پس متن معتبر باید «بریدبن معاویه» باشد و دیگر احتیاج نیست که گفته شود عن «یزید العجلی». در نسخه آقای صفائی هم «بریدبن معاویه» صحیح است. و اگر در وسائل هم دقت می شد، دیگر چنین اشتباهاتی رخ نمی داد. نیز اگر به مأخذ این روایت مثل کافی، ج ۴، ص ۱۲۴ و فقیه، ج ۲، ص ۹۶ و تهذیب، ج ۴، ص ۲۷۸ و استبصار، ج ۲، ص ۱۲۰ و المقنع، رجوع می شد، دچار اشکال نمی شدند. و مسلم است که «بریدبن معاویه» و «برید العجلی» نام یک نفر است. برای تحقیق بیشتر می توان به رجال نجاشی، ص ۱۱۲ و معجم رجال الحدیث ج ۳، ص ۲۹۲-۲۸۵ رجوع کرد.

۴- در ج ۲، ص ۷۱۵ محقق درباره اینکه مسافر لازم است افطار کند، استشهاد به روایاتی می کند و می گوید: «و یؤید ذلک روایات، منها روایة الحلبي و معاویة بن عمار...». در پاورقی ارجاع به وسائل داده اند و سپس اظهار لحنیه کرده اند که «لکنه رواه ابن ابی شعبه»؛ یعنی راوی حدیث «ابن ابی شعبه» است، نه حلبي. و حال اینکه دچار غفلت شده اند. چرا که محمدون ثلاثة اوائل در کتب اربعه این روایت را از «حلبی» روایت کرده اند. رجوع کنید به کافی، ج ۴، ص ۱۲۸ و فقیه، ج ۲، ص ۹۳ و تهذیب ج ۴، ص ۲۲۰ و نیز اگر به ارجاعی که به وسائل داده اند، چند سطر بعد از آن روایت را هم ملاحظه می کردند، دچار این اشتباه فاحش نمی شدند. چون در وسائل، ج ۷، ص ۱۲۷ آمده است «و رواه الكلینی عن ... حماد عن الحلبي عن ابی عبدالله علیه السلام، و رواه الشیخ باسناده عن محمدبن یعقوب مثله، محمدبن علی بن الحسین

[: صدوق] باسناده عن الحلبي مثله.

۵- در ج ۲، ص ۶۷۶ درباره قضاى روزه استشهاد به این روایت شده است: «ما رواه معاویة بن عمار...» و در پاورقی اظهار داشته اند که «رواه الكلینی عن ابن ابی عمیر...» این مطلب را نیز به نقل از وسائل ج ۷، ص ۸۴ نوشته اند. و لکن به خاطر عدم آشنایی به کتب حدیثی و رجالی و نحوه ارجاعات صاحب وسائل، خیال کرده اند که راوی که از امام سؤال می کند در کافی «ابن ابی عمیر» است و نه «معاویة بن عمار». و حال آنکه چنین نیست. چون صاحب وسائل روایت را از صدوق به این نحو می آورد که: «محمدبن علی بن الحسین باسناده عن محمدبن ابی عمیر، عن معاویة بن عمار قال...» و بعد از ذکر تمام روایت می نویسد که: «و رواه الكلینی عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر مثله»؛ یعنی کلینی هم به سند دیگری تا «ابن ابی عمیر» این روایت را آورده است و از «ابن ابی عمیر» به بعد تا برسد به امام، راوی هر دو سند یکی است. یعنی کلینی نیز از «معاویة بن عمار» روایت را نقل کرده است؛ و نه اینکه از «ابن ابی عمیر» نقل کرده باشد. همچنین در خود کتاب کافی، ج ۴، ص ۹۷ روایان حدیث به این نحو هستند: «علی بن ابراهیم عن ابیه، عن ابن ابی عمیر عن معاویة بن عمار قال...»

۶- در ج ۲، ص ۶۵۹ وقتی بحث حقنه در ماه رمضان مطرح می شود که آیا روزه را باطل می کند یا نه، آمده است «و یؤید ذالک: ما رواه علی بن الحسن عن ابیه...» و در پاورقی به وسائل ارجاع داده و گفته اند: «و لکنه فی اسناده علی بن الحسین عن محمدبن الحسن عن ابیه». و لکن متوجه این مسأله نبوده اند که آن سندی را که از وسائل نقل کرده اند، سند روایت کافی است. در حالی که شیخ طوسی در تهذیب، ج ۴، ص ۲۰۴ و استبصار، ج ۲، ص ۸۳، از «علی بن الحسن عن ابیه» نقل روایت کرده است. پس سندی که در کتاب معتبر ذکر شده است، از تهذیب و استبصار است و دیگر احتیاج به تعلیقه ندارد که

گفته شود در اسنادش راویانی غیر از راویان ذکر شده در معتبر است. و در همین صفحه، دچار یک اشتباه دیگر شده اند، و آن اینکه وقتی که محقق می خواهد روایت را رد کند، می فرمایند که این راوی فطحی است: «بان الراوی علی بن الحسین [؟] عن ابیه و هما فطحیان». در حالی که مصححان اسم پدر راوی را که «حسن» بوده است، در اینجا «حسین» ثبت می کنند و چند سطر جلوتر «علی بن الحسن» ثبت کرده اند و صحیح هم است. لذا در همین صفحه (سطر ۱۴) باید به این نحو باشد: «بان الراوی علی بن الحسن، عن ابیه و هما فطحیان؟» و نه «علی بن الحسین». پس در یک صفحه و با فاصله چهار سطر، یکجا «علی بن الحسن» ثبت شده و در جای دیگر «علی بن الحسین»! و عین همین اشتباه در معتبر چاپ قدیم، ص ۳۰۳ نیز آمده است. و نیز در ج ۲، ص ۶۶۶، «علی بن الحسین عن ابیه» ثبت کرده اند. برای اطلاع بیشتر درباره این راوی و اینکه صحیح آن «علی بن الحسن» است، رجوع شود به: معجم رجال الحدیث ج ۱۱، ص ۳۱۹، ۳۳۱ و ۳۵۶.

۷- در ج ۲، ص ۷۰۵ ذیل این روایت: «سألته عن رجل اجنب فی شهر رمضان و نسی ان یغتسل حتی یرج رمضان. فقال علیه قضاء الصلاة و الصیام» در پاورقی پس از ارجاع به وسائل گفته اند: «لکن ذیله، قال علیه ان یقضي الصلاة و الصیام». یعنی ذیل روایت به نحو دیگری است؛ نه مانند معتبر. و حال اینکه این تعلیقه بیجا است. چون ماخذ این روایت فقط کتاب تهذیب است. و در تهذیب هر دو جور آمده است: یعنی در تهذیب، ج ۴، ص ۳۲۲، عین معتبر: «فقال علیه قضاء الصلاة و الصیام» و در تهذیب، ج ۴، ص ۳۱۱ به گونه ای که در وسائل آمده ثبت شده است و محقق روایتی را نقل کرده است که در تهذیب ج ۴، ص ۳۲۲ است؛ نه آن که در تهذیب ج ۴، ص ۳۱۱ آمده است.

۸- در ج ۲، ص ۶۵۷ ذیل این روایت: «لا یضمر

الصائم ما اصنع اذا اجتنب اربع خصال ...»، در پانوشت آورده اند: «رواه بدل اربع خصال، ثلاث خصال». این نیز از بیدقتی مصححان نشأت گرفته است. چون این روایت در تهذیب در سه جا نقل شده که در یک موردش «ثلاث خصال» است و در دو مورد دیگر، یعنی در تهذیب، ج ۴، ص ۳۱۹ و در ۲۰۲ (البته در بعضی نسخ در صفحه ۲۰۲) و نیز در فقیه، ج ۲، ص ۶۷ «اربع خصال» آمده است. و اگر در مسائل هم خوب دقت می شد، این اشتباه رخ نمی داد زیرا در وسائل، ج ۷، ص ۱۹ آمده است: «وفی روایة محمد بن علی بن محبوب: اربع خصال، و رواه الصدوق باسناد عن محمد بن مسلم مثله» پس هم شیخ (در ۲ مورد) و هم صدوق روایتی دارند که در آن «اربع خصال» است نه «ثلاث خصال».

ج) اشتباهات مربوطه به سند روایات

به خاطر آشنا نبودن به راویان حدیث و اسامی فقهایی شیعه، اشتباهات فاحشی در کتاب رخ داده است که ملاحظه خواهید کرد:

۱- در ج ۲، ص ۷۱۵ آمده است: «و ابوالصلاح الحلبی عن ابی عبدالله علیه السلام ...». و توجه نداشته اند که ابوالصلاح حلبی یکی از فقهایی قرن پنجم چگونه می تواند از امام صادق (ع) نقل روایت کند؟ و این روایت را به وسائل ارجاع داده اند، و لکن متوجه نشده اند که راوی حدیث «الحلبی» است و نه «ابوالصلاح الحلبی». و در سه نسخه از کتاب معتبر چنین آمده است: «و به قال المفید (ره) و ابوالصلاح الحلبی و روی ذلك الحلبی عن ابی عبدالله»، که کاملاً صحیح است. و مصححان، عین عبارت معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۹، سطر ۳) را بدون دقت در عبارت در اینجا آورده اند و در صفحه بعد، وقتی که محقق جواب از روایت می دهد، «الحلبی» آمده و نه «ابوالصلاح الحلبی».

۲- در ج ۲، ص ۷۱۵ چنین روایتی نقل شده است:

«و عبدالرحمن بن ابی عبدالله علیه السلام...» . اولاً باید پرسید که این عبدالرحمن کدامیک از ائمه علیهم السلام هستند؟ و ثانیاً صحیح عبارت این است: «و عبدالرحمن بن ابی عبدالله عن ابی عبدالله علیه السلام». با اینکه در چاپ قدیم (ص ۳۱۸، سطر ۳۴) و نسخه صفائی و نیز در تهذیب ج ۴، ص ۳۲۸ که مأخذ روایت است، به طور صحیح ضبط شده است.

۳- در ج ۲، ص ۶۶۵ آمده است: «و روی ذلک عبدالحمید عن ابی بصیر...». ما راوی به نام «عبدالحمید» نداریم که از «ابی بصیر» نقل روایت کند و صحیح آن چنین است: «ابراهیم بن عبدالحمید عن ابی بصیر...» و اگر به مأخذ روایت یعنی تهذیب، ج ۴، ص ۲۱۲ و استبصار، ج ۲، ص ۸۷ رجوع می کردند، دچار این اشتباه نمی شدند. برای اطلاع بیشتر درباره راوی رجوع کنید به رجال نجاشی، ص ۲۰ و معجم رجال الحدیث ج ۱، ص ۲۴۱. و نیز عین همین اشتباه در صفحه ۶۸۴ رخ داده است: «بما رواه عبدالحمید عن ابی الحسن علیه السلام». و عبارت همانطور که در چاپ قدیم ص ۳۰۱ و ۳۱۰ بوده، به این چاپ نیز سرایت کرده است.

۴- در ج ۲، ص ۷۲۳ آمده است: «عن الفضل بن یسار عن ابی جعفر (ع) که صحیح آن «عن الفضیل بن یسار» است. کما اینکه در وسائل، ج ۷، ص ۲۷۶ و تمام مأخذ این روایتها مثل کافی، ج ۴، ص ۱۳۹ و فقیه، ج ۲، ص ۹۷ و تهذیب، ج ۴، ص ۲۸۵، «الفضیل بن یسار» است. و در کتب رجال، «الفضیل بن یسار» است و نه «فضل». (رک: نجاشی، ص ۳۰۶ و معجم الرجال الحدیث ج ۱۳، ص ۳۳۵). در نسخه خطی مرعی هم «الفضیل بن یسار» آمده است. و نیز اشتباه دیگر اینکه همان طوری که ملاحظه شد، حدیث از «ابی جعفر علیه السلام» نقل شده است؛ در صورتی که در وسائل که به آن ارجاع داده اند، «عن ابی عبدالله علیه السلام» است. و باید به روایتی که از «ابی جعفر» نقل شده ارجاع داده شود.

و این روایت در تهذیب، ج ۴، ص ۲۸۵، حدیث ۸۶۴ از «ابی جعفر علیه السلام» نقل شده است.

د) اشتباهات و ارجاعات و افتادگی و تداخل روایات موارد بسیاری مشاهده می شود که مأخذ روایات را کاملاً ذکر نکرده اند و یا اگر ذکر شده، اشتباه است. نمونه های فراوانی یافت می شود که روایاتی منقول از اهل بیت علیهم السلام را به کتابهای اهل سنت ارجاع داده اند و یا بالعکس. و یا اینکه اصل روایت را ناقص ضبط کرده اند و ... این موارد در چهار قسم ذکر می شود:

۱- نمونه هایی که مأخذ و نشانی روایات را اشتبهاً ذکر کرده اند.

الف- در ج ۲، ص ۶۴۴ و ۶۴۶ و ۶۴۹، حدیثی از حضرت رسول (ص) به این صورت نقل شده است: «لا صیام لمن لم یت [لم یبیت: صحیح] الصیام من اللیل». در هر سه مورد، ارجاع به سنن بیهقی داده اند و حال اینکه در سنن بیهقی روایت به نحوه دیگر است: «من لم یبیت الصیام قبل الفجر فلا صیام له». در سنن بیهقی «قبل الفجر» و در معتبر «من اللیل» است و این، صرف نظر از تقدم و تأخر «لا صیام» است. و مأخذ این روایت به این سه نحو که در معتبر آمده است، سنن نسائی ج ۴، ص ۸-۱۹۶ است و بابتی مستقل برای اختلاف این حدیث آمده است: «ذکر اختلاف الناقلین لخبر حفصة فی ذلک».

ب- در ج ۲، ص ۶۴۶ این روایت «لا صیام لمن لم یجمع من اللیل»، به سنن بیهقی ارجاع شده و حال اینکه در سنن بیهقی اصلاً این حدیث وجود ندارد و آنچه در سنن بیهقی، ج ۴، ص ۲۱۳ آمده، چنین است: «قال من لم یبیت الصیام قبل الفجر فلا صیام له». پس اولاً در سنن «لم یبیت» است و در معتبر «لم یجمع» و در سنن «قبل الفجر» است و در معتبر «من اللیل». و باز صرف نظر از تقدم و تأخر «لا صیام». و مأخذ این حدیث نیز به این نحو که «لم یجمع من اللیل» باشد، در هیچیک از کتب روایی عامه

نیامده است؛ بلکه با کمی اختلاف و تقدم و تأخر آمده است. مثلاً در سنن نسائی ج ۴، ص ۸-۱۹۶ چند جور این روایت نقل شده است؛ اما هیچکدام مثل معتبر که «لم یجمع من الليل» باشد، نیست. بلکه «لم یجمع الصیام من الليل» یا «لم یجمع قبل الفجر» یا شبیه اینهاست و در سنن نسائی باب مستقلی برای اختلاف این حدیث وجود دارد. و نیز برای مآخذ این حدیث به سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۲۹ و سنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۰۸ و موطأ مالک ج ۱، ص ۲۸۸ رجوع شود.

ج- در ج ۲، ص ۶۷۲ در متن آمده است: «ما رواه مالک فی الموطأ عن ابی هريرة ...» و در پاورقی ارجاع به سنن ابن ماجه داده اند. و حال اینکه این حدیث در موطأ مالک، ج ۱، ص ۲۹۶ باب ۹ از صیام آمده است.

د- در ج ۲، ص ۶۷۸ این روایت نقل شده است: «عن النبی (ص) من ذرعه القیء و هو صائم فلیس علیه قضاء، و ان استبقی [استقاء: مسح] فلیتقض» و ارجاع به سنن ابن ماجه و مسند احمد بن حنبل داده اند. حال اینکه ارجاع به این دو کتاب برای این روایت صحیح نیست؛ چون در سنن ابن ماجه و مسند احمد بن حنبل، جمله «و هو صائم فلیس علیه قضاء» وجود ندارد؛ بلکه تنها در سنن ابی داوود آمده است.

۲- مواردی که اصلاً مآخذ روایت را نقل نکرده اند، عبارت است از جلد دوم، صفحات:

۶۴۵ «عن ابی حنیفه فی النافلة، روایتان»

۶۴۶ «رواه ابو حنیفه من کون النبی ...»

۶۵۴ «فروایتان، شهرهما: انهما یفطران»

۶۵۶ «و مثله روی محمد بن مسلم ...»

۶۶۲ «و مثله روی داوود بن سرحان ...»

۶۶۶ «و مثله روی عبدالرحمن بن الحجاج ...»

۶۷۲ «و مثله روی سعید بن المسیب»

۶۷۳ «روایة ابی ولاد المناط عن»

۶۷۴ «و مثله روی هشام بن سالم ...»

۶۷۶ «و مثل هذا المعنی روی الحلبي ...»

۶۷۷ «روایة محمد بن الفضیل عن ...»

۶۸۲ «لقولهم: لا کفارة علی المکره»

۶۸۳ «و فی روایة عن احمد بن حنبل»

۶۸۷ «ما رواه عن النبی (ص) ...»

۶۹۷ «لقوله: الاسلام یجب عما قبله»

۷۰۱ «و فی روایة جاءت امرأة»

۷۰۳ «و علیه دل ظاهر الروایات»

۷۰۶ «و مثله روی محمد بن مسلم و سماعة بن

مهران ...»

۷۰۷ «و قدر روی خمسين بين اربعائین»

۷۱۳ «و لما روه عن ابی هريرة ان ...»

باید متذکر شوم که در جای جای کتاب اسامی

کتابهای فقهی صدوق و مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی

و ابوالصلاح الحلبي و ... و کتاب رجالی نجاشی و ...

دیله می شود و محقق حلی از آنها نقل قول کرده است، و

لکن مصححان حتی یک موردش را در پانوشت تخریج

نکرده اند! که این به نوبه خود می تواند عمده ترین نقص

برای تصحیح یک کتاب باشد. و لکن ما از ذکر موارد و

صفحات آن خودداری کردیم. چون وقتی که آن اشتباهات

فاحش در متن کتاب معتبر رخ داده است و مصححان

متوجه نبوده اند، دیگر این اشکالات دور از انتظار نیست.

۳- مواردی که روایت ناقص نقل شده است، به

نحوی که از جهت ادبی، مخمل به معناست و یا یک سطر

افتاده است و یا روایتی را دوبار آورده اند و یا مضمون دو

روایت را در یک روایت آورده اند:

الف- در ج ۲، ص ۶۸۵ روایتی این چنین نقل شده

است: «قال ان کان لک مقام بالمدينة ثلاثة ايام و تصلى

عند اسطوانة ...» تا آخر روایت، جواب «ان کان» نیامده

است و مصححان هم نفهمیده اند. در صورتی که صحیح

روایت چنین است: «قال ان کان لک مقام بالمدينة ثلاثة

ایام صمت اول يوم الاربعاء و تصلى ...» که جواب آن

«صمت ...» است و «تصلی» عطف به «صمت» است و جمله «و تصلی ...» چون واو عاطفه دارد، نمی تواند جواب باشد. و در معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۰) نیز عین این چاپ جدید است و از آنجا به این چاپ سرایت کرده است و این نشان می دهد که اشتباه، چاپی نیست.

ب- در ج ۲، ص ۷۱۶، سطر ۱۱، یک سطر از روایت سقط شده است و مصححان متوجه نشده اند و به خاطر این افتادگی، جملات زاوی و حدیث امام (ع) با هم خلط شده و چیز عجیبی از کار درآمده است: «فی الرجل یسافر فی شهر رمضان یفطر فی منزله و ان لم یحدث نفسه فی اللیل ...». که سؤال راوی با فرمایش امام خلط شده و صحیح آن این گونه است «فی الرجل یسافر فی شهر رمضان یفطر فی منزله؟ قال اذا حدث نفسه فی اللیل بالسفر افطر اذا خرج من منزله و ان لم یحدث نفسه فی اللیل ...». این نمونه و نمونه های دیگر، دلیل بر این مدعاست که معتبر چاپ قدیم، بهتر از این چاپ است. چون تمام اغلاطی که در چاپ قدیم بوده است، به این چاپ نیز سرایت کرده و مضافاً در این چاپ اغلاط و اشتباهات و افتادگیهایی نیز رخ داده که در چاپ قدیم نبوده است!

و این مورد در معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۹) به طور صحیح آمده است.

ج- در ج ۲، ص ۶۸۹، محقق برای مطالبی استشهد به دوروایت می کند. ولی مصححان سه روایت در کتاب درج کرده اند. به این نحو که «روایة حمادبن عثمان ... و روی عبیدبن زرارة ... و روی عبیدبن زرارة که در وسط واقع شده است؛ نباید باشد. و مهمتر اینکه اگر روایت عبیدبن زرارة دوبار تکرار می شد، باز آن قدر مسأله ای نبود. و لکن نوشته اند «روی عبیدبن زرارة» و دنباله این، مضمون روایت حمادبن عثمان را نوشته اند که غلط اندر غلط است. و این نحوه اشتباهات از مصححان بعید نیست. زیرا اهمیاتی به درک مطالب و

تشخیص اینکه آیا اینجا دو روایت است یا سه روایت و ... نداشته اند. و معتبر چاپ قدیم را استنساخ کرده و به این اشکالات توجه نداشته اند. لذا معتبر چاپ قدیم (ص ۳۱۱، سطر ۱۷) عین همین جاست. و جالبتر اینکه مصححان سه روایت ثبت کرده اند اما باز متوجه نبوده اند که دو روایت است. چون خود محقق در ذیلش دارد که «فقوة هاتین الروایتین اوجب التردد ...». و دقت نکرده اند که محقق می فرماید دو روایت، و اینها سه روایت ضبط کرده اند! و اگر با نسخه آقای صفایی خوانساری مقابله می کردند، دچار این اشتباه فاحش نمی شدند؛ چون این اضافات را ندارد.

ه- در ج ۲، ص ۶۷۳ آمده است: «فروایات منها: روایة ابن ولاد الحنط عن ابی عبداللہ (ع) و روایة زرارة عن ابی جعفر (ع) المعتکف اذا جامع فعليه ما علی المظاهر (و علی المعتکفة باذن زوجها اذا تهيأت حتی واقعها فعليها ما علی المظاهرة)» و پنداشته اند که تمام این روایت از زراره است. لذا ارجاع به وسائل هم داده اند؛ و لکن متوجه نشده اند که آن ارجاع فقط مربوط به قسمت اول این روایت است. یعنی آن قسمتی که در پرانتز گذاشته ایم؛ و بقیه، مضمون روایت ابی ولاد الحنط است، نه اینکه دنباله روایت زراره. پس آن قسمت که داخل پرانتز است، روایت ابی ولاد الحنط است که در وسائل ج ۷، ص ۴۰۷، روایت شش از همین باب است. (با کمی اختلاف). و همان طور که در معتبر چاپ قدیم (ص ۳۰۶) این خلط رخ داده، به اینجا هم سرایت کرده است. پس سزاوار است که گفته شود این چاپ، استنساخ چاپ قدیم است. و لذا نباید روی جلد کتاب نوشته شود: «حقیقه و صححه عدة من الافاضل».

ه) اشتباهات گوناگون دیگر

۱- در ج ۲، ص ۷۰۱ روایتی را از عن ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده و ارجاع به وسائل داده اند؛ و لکن دقت

آخر	ح ۳	ح ۳ و ۴	۶۷۵
۲۱	بعدها	بعدها	۶۹۱
۲	عبدالله بن	عبدالله بن	۷۱۰
۱۷	صادر	صار	۷۱۱
۹	تعذن	تعذلن	۷۰۷
۱۸	بعض	بعض	۷۱۱
۱۱	تبیّت	تبیّت	۷۱۵
۱۶	والاخرة	والاخر	۷۱۵
۲	السام	آل سام	۷۱۶
۸	روایت	روایات	۷۱۶
۱۵	وفن	وفی	۷۱۷
۱۱	متزلة	متزله	۷۱۶
۱۳	اطعام	طعام	۷۱۷
۶	يفطر	يفطرا	۷۱۸
۱۴	الشيخ	الشيخ	۷۱۸

و با توجه به اینکه نسخه های خطی مصحح این کتاب فراوان است، لازم است معتبر دوباره تصحیح شود.

نسخه های خطی کتاب معتبر - با استفاده از کتاب مقدمه ای بر فقه شیعه - عبارت است از:

- ۱- مجلس ۱۳۲۲، مورخ ۹۴۱ق (فهرست، ج ۴، ص ۹۴)
- ۲- آستان قدس ۲۸۳۴، مورخ ۹۵۶ق (فهرست، ج ۵، ص ۵۰۸)
- ۳- مرعشی ۱۰۲۹، قرن دهم (فهرست، ج ۴، ص ۱۴۰)
- ۴- مرعشی ۱۳۶۷، قرن دهم (فهرست، ج ۶، ص ۳۶)
- ۵- صفائی خوانساری (جلد اول)، مورخ ۹۶۷ و جلد دوم بی تاریخ (کتابخانه شخصی)
- ۶- مجلس ۳۲۹۴، مورخ ۱۰۱۸ق (فهرست، ج ۱۰، ص ۹۱۵)
- ۷- اصغر مهدوی ۸۰۹، مورخ ۱۰۴۷ق (فهرست،

نداشته اند که در وسائل، ج ۷، ص ۲۴۰ «عن احدهما» است، نه از «ابی عبدالله». و در مأخذ این حدیث نیز مثل کافی، ج ۴، ص ۱۲۳ و تهذیب، ج ۴، ص ۳۴ و استبصار، ج ۲، ص ۱۱۰، تماماً «عن احدهما علیهما السلام» است؛ و نه «عن ابی عبدالله علیه السلام».

۲- در ج ۲، ص ۶۸۸ به جای «عمرانی الزعفرانی»، باید «عمران الزعفرانی» باشد و در نسخه های کتابخانه مرعشی نجفی و نسخه آقای صفائی خوانساری به طور صحیح آمده است: «عمران الزعفرانی». و تنها در چاپ قدیم (ص ۳۱۱) «عمرانی» آمده است.

۳- در ج ۲، ص ۷۰۷ در وسط روایت، محقق یک کلمه را توضیح داده و مصححان پنداشته اند که جزء روایت است؛ لذا گیومه را در دو طرف روایت گذاشته اند و دو سطر از کلام محقق هم مابین این دو گیومه است، و مصححان متوجه نشده اند که این دو سطر کلمات محقق است و نه جزء روایت: «روی حماد بن عثمان عن ابی عبدالله ... قال حماد: ألوجر [الوحر: صح] الوسوسة (واصلها من الوجرة [الوحره: صح] و هی دویبة متتقة، یکره العرب اکل ما یقع علیه، و معنی تعذلن صوم الدهر، لان الحسنة بعشر امثالها فمن صام يوماً من العشر كان ثواب من صام العشر) قال حماد قلت ...». همان طور که ملاحظه می شود، قسمتی که بین دو پرانتز است، جملات محقق است و آقایان پنداشته اند که از روایت است.

(و اشتباهات چاپی

تنها مواردی که می توان گفت اشتباه چاپی است، نمونه های زیر است:

صفحه	سطر	غلط	درست
۶۶۶	۲۳	الامانة	الامالة
۶۵۴	۱۶	سالته	سالته عن
۶۶۴	۴	آلا	ان لا
۶۵۴	۱۷	روایت	روایة

کوشش و پشتکار در تحقیق

رازی، پزشک و اندیشمند نامدار ایرانی می‌گوید:
«آنان که معاشر من بوده‌اند می‌دانند و دیده‌اند چگونه از ایام جوانی تاکنون عمر خود را وقف دانش کرده‌ام. تا آنجا که اگر کتابی را نخوانده یا دانشمندی را ندیده بودم، تا از آن کار فراغت نمی‌یافتم، به کار دیگری نمی‌پرداختم، ولو اینکه زیان بزرگی به من می‌رسید. حوصله و جهد من در طلب دانش چنان بود که در یک فن مخصوص بیش از ۲۰۰۰۰ صفحه خط ریز نوشتم و پانزده سال از عمر خود را شب و روز صرف تألیف جامع کبیر (کتاب حاوی) کردم. بر اثر همین کار نیروی بینایی‌ام ضعیف شد و دستم دچار ناتوانی گشت و از خواندن و نوشتن سحروم ساخت. با این همه از جستجو باز نمانده‌ام و پیوسته به یاری این و آن می‌خوانم و می‌نویسم.»
به نقل از کتاب فیلسوف ری، نوشته دکتر مهدی محقق ص ۲۲۵ - ۲۲۶، با اندک تغییر در عبارتها.

اقسام دانشمندان

محمد بن موسی خوارزمی ریاضیدان نامی دربار اقسام دانشمندان می‌گوید:
«یا مردی است که برای نخستین بار دانشی ناشناخته را می‌شناسد و می‌شناساند و آیندگان را میراث علمی خود می‌سازد.

یا مردی است که آثار برجای مانده پیشینیان را شرح و تفسیر می‌کند و مطالب مهم و پیچیده کتابها را روشن می‌سازد، برای بیان مطلب راه ساده تری نشان می‌دهد و نتیجه گیری را آسان می‌کند.

یا مردی است که در برخی از کتابها به نادرستی و آشفتگی بر می‌خورد. پس نادرستیها را اصلاح می‌کند، با خوش بینی به کار مولف می‌نگرد، بر او خرده نمی‌گیرد و از اینکه متوجه خطا و اشتباه دیگری شده به خویشتن نمی‌بالد.»

جبر و مقابله خوارزمی، ترجمه حسین خدیوچ، چاپ دوم، ص ۳۶.

(ص ۱۷۱)

- ۸- آستان قدس ۲۸۳۳، مورخ ۱۰۷۲ق (فهرست الفبایی کتب خطی، ص ۵۳۳)
- ۹- آستان قدس ۵۷۲۳، مورخ ۱۰۹۸ق (فهرست الفبایی کتب خطی، ص ۵۳۳)
- ۱۰- صفائی خوانساری، مورخ ۱۰۹۸ق (کتابخانه شخصی)
- ۱۱- دانشگاه ۶۴۱۱، قرن دوازدهم (فهرست، ج ۱۶، ص ۲۶۱)
- ۱۲- مرعشی ۱۳۶۸، مورخ ۱۲۳۰ق (فهرست، ج ۱۸، ص ۱۳۸)
- ۱۳- مرعشی ۱۵۸۴، مورخ ۱۲۴۸ق (فهرست، ج ۴، ص ۳۹۰)
- ۱۴- مسجد اعظم ۴۲۶، مورخ ۱۲۴۹ق (فهرست، ص ۳۷۲)
- ۱۵- مکتبه فحول القزوینی، مورخ ۱۲۶۳ق (تراثا، ۹۱/۲)
- ۱۶- صفائی خوانساری، بی تاریخ، (کتابخانه شخصی)
- ۱۷- آستان قدس ۲۶۲۵، بی تاریخ، (فهرست الفبایی کتب خطی، ص ۵۳۳)
- ۱۸- وزیری ۱۶۰۷ (فهرست، ج ۱۳، ص ۱۰۰۱).

پی نوشت:

* شرح حال محقق حلّی در این کتابها آمده است: رجال ابن داود، ص ۶۲-۶۳؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۵۱؛ امل الأمل، ج ۲، ص ۵۲-۴۸؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۳؛ لؤلؤة البحرين، ص ۲۲۷-۲۳۵؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۹۱؛ اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۸۹-۹۳؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن هفتم)، ص ۳۰؛ الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۱۲۹-۱۲۷؛ فوائد الرضویة، ص ۶۲-۶۷؛ قاموس الرجال، ج ۲، ص ۶۱۹؛ مقدمه چاپ جدید شرائع، طبع نجف، به قلم عبدالحسین محمدعلی بقال.